



An Introduction to the Approach of the Quran to the Reformation and Education of Criminals (The Model of Quran Therapy for Criminals) *

Muhammad Ali Haji Dehabadi ¹

Abstract

One of the most important topics in the field of criminology is “reformation and treatment of criminals”, which nowadays mostly means rehabilitation and carrying out the necessary activities to return them to a healthy social life; This therapy is not only focused on psychological therapy; rather, it includes all technical and professional education and consulting measures, etc. Analyzing this important task in the Holy Quran is the subject of this article, which tries to provide a general view of the important aspects of this discussion by extracting and analyzing related Quranic statements and narratives. The findings of the research indicate that the Quran, due to its attributes of “healing” and “mercy”, its various dimensions such as words (recitation, reading and listening) and content (rich non-Quranic knowledge and teachings) can be used as a model in the treatment of criminals should be mentioned along with other human models, which, of course, have significant characteristics in comparison. The exact extraction of the foundations and principles and mechanisms and methods of reforming the Quran and their practical testing require many other pieces of research.

Keywords: Reformation and Treatment, Rehabilitation, Criminals, Crimes, Quranic Model.

*. **Date of receiving:** 21 January 2022, **Date of approval:** 30 May 2022.

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Qom; (dr_hajidehabadi@yahoo.com).



رویکرد قرآن به اصلاح و تربیت مجرمان (الگوی قرآن درمانی مجرمان)*

محمدعلی حاجی ده آبادی^۱

چکیده

از مهمترین مباحث در حوزه علوم جنایی «اصلاح و درمان مجرمان» است که امروزه بیشتر به معنای بازپروری و انجام فعالیتهای لازم به منظور بازگشت آنان به زندگی اجتماعی سالم می‌باشد؛ این درمانگری تنها معطوف به درمانگری روانی نیست؛ بلکه همه اقداماتی آموزشی فنی و حرفه ای و مشاوره ای و.. را دربرمی گیرد. واکاوی این مهم در قرآن کریم موضوع این مقاله است که با روش توصیفی تحلیلی و با استخراج و تحلیل گزاره‌های قرآنی و روای مرتبط می‌کوشد تا نگرشی کلی بر ابعاد مهم این بحث ارائه دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که قرآن به سبب اتصاف به «شفا» و «رحمت»، ابعاد گوناگون آن همچون: الفاظ (تلاوت و قرائت و استماع) و محتوا (معارف و آموزه‌های غنی قرآنی) می‌تواند به‌عنوان یک الگودر درمانگری مجرمان، در کنار دیگر الگوهای بشری، مطرح شود که البته در مقایسه، از ویژگی‌های قابل توجهی برخوردار است. استخراج دقیق مبانی و اصول و مکانیزم‌ها و روشهای اصلاحی قرآن و آزمون عملی آنان نیازمند پژوهش‌های فراوان دیگری است.

واژگان کلیدی: اصلاح و درمان، بازپروری، مجرمان، جرایم، الگوی قرآنی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم؛ (dr_hajidehabadi@yahoo.com).



درآمد

از جمله مباحث مهم در حوزه علوم جنایی (Criminal Sciences)، و به‌طور خاص جرم‌شناسی، بحث از اصلاح و درمان مجرمان است که یک شاخه از جرم‌شناسی کاربردی را با عنوان «جرم‌شناسی بالینی» (Clinical Criminology) به خود اختصاص داده است (رایجیان اصلی، درآمدی بر جرم‌شناسی، ۱۳۹۷: ۲۹). افزون بر این، در شاخه دیگر این علوم یعنی «سیاست جنایی» (Criminal Policy) نیز که عهده دار طراحی و تدوین مهمترین استراتژی‌ها و راهبردها در مواجهه مؤثر با جرم اعم از روش‌های سرکوب‌گرانه و تنبیهی یا پیشگیرانه است (فتحی‌بهنسی، السیاسة الجنائية فی الشريعة الاسلامیه، ۱۴۰۹: ۵؛ حسینی، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱)؛ بخشی از این راهبردها با عنوان راهبردهای اصلاح‌گرانه (تأهیل المجرمین) مورد بررسی قرار می‌گیرد. قدمت این بحث در قانون‌گذاری جوامع بشری و در مقررات و اسناد بین‌المللی به کمتر از یک سده می‌رسد (ابراهیمی، بازپروری عادلانه مجرمان، ۱۳۹۱: ۱۵۳). در حوزه دیگر علوم نیز بحث از اصلاح رفتارهای ناهنجار و یا کمک به بازسازی شخصیت منحرفان و کجروان، از جمله مباحث مهم در حوزه روان‌شناسی بالینی و مددکاری اجتماعی است (کاوینگتن‌کلمن، روان‌شناسی ناهنجار و زندگی نوین، ۱۳۷۶: فصل اول). در حوزه فلسفه حقوق کیفری نیز که از دیگر شاخه‌های علوم جنایی است اصلاح و درمان مجرمان به‌عنوان یکی از اهداف و مقاصد کیفرگذاری و کیفردهی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (یزیدیان جعفری، چپستی و چرایی مجازات). از این‌رو اصلاح و درمان مجرمان در حوزه‌های مختلف علوم، جایگاه ویژه‌ای دارد. ازسوی دیگر نگاه سطحی، و نه مذاقه در قرآن کریم، ما را با این ادعای خداوند بزرگ در قرآن آنهم به صراحت مواجه می‌سازد که قرآن نقش درمان‌گرانه و شفا بخشی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم قرآن را موعظه‌ای از جانب پروردگار و شفای بیماری قلبی و روحی و عامل هدایت و رحمت مؤمنان داشته است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/ ۵۷)؛ «ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی، و درمانی برای آنچه در سینه‌ها است و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است».

درجای دیگر می‌فرماید: ﴿نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (اسرا ۸۲)؛ «و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن، نازل می‌کنیم».

در متون روایی نیز پیشوایان دینی بر نقش شفا بخشی و درمان‌گری قرآن تأکید کرده‌اند. امام علی (علیه السلام) در توصیف قرآن می‌فرماید: «فِيهِ شِفَاءُ الْمُسْتَشْفِي وَ كِفَايَةُ الْمُكْتَافِي»؛ هر درمان‌خواهی را درمان و هر بی‌نیازی طلبی را کافی است» (شریف رضی، نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: ۲۸۱).

در جایی دیگر می‌فرماید: «فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالتَّفَاقُ وَالْغَى وَالضَّلَالُ؛ پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن درمان بزرگترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی وجود دارد» (همان: ۳۳۳).

در این صورت جای این سوال وجود دارد که آیا از قرآن می‌توان در درمان انحرافات و کجروی‌ها و منحرفان و کجروان که بعضاً در حقوق کیفری به‌عنوان جرم و مجرم نیز شناخته شده‌اند سخن گفت؟ اگر چنین است درمانگری قرآن نسبت به اینگونه رفتارها چگونه است؟ مهمترین روش‌های درمانگری قرآن چیست؟ اصول درمانگری قرآن در مواجهه با مجرمان چیست؟ مهمترین محتواهای درمانگری قرآن در این حوزه چیست؟ وجوه تمایز درمانگری قرآن در مواجهه با جرایم و مجرمان با آنچه در دانش جرم‌شناسی تاکنون ارائه شده است در چیست؟ قلمروی درمانگری قرآن نسبت به جرایم و مجرمان تا کجاست؟ آیا قرآن می‌تواند هر نوع جرم و هر مجرمی را درمان کند؟ مبانی درمانگری قرآن در ارتباط با جرایم و مجرمان چیست؟ و ... طبیعی است پاسخ دادن به این سوالات در گنجایش یک مقاله نیست. این مقاله می‌کوشد تا با نگرشی کلان این مسئله را دنبال کند و حوزه‌هایی را برای بحث و پژوهش پیشنهاد کند. پیش از این لازم است تا مفهوم اصلاح و تربیت و درمان واکاوی شود (مبحث نخست)؛ آنگاه امکان و مبنای درمانگری قرآن مورد بحث قرار خواهد گرفت (مبحث دوم)؛ و در نهایت نمونه‌هایی از روش‌های درمانگری قرآن نسبت به جرم و مجرم ارائه خواهد شد (مبحث سوم).

اول. واکاوی معنایی اصلاح و درمان در جرم‌شناسی و قرآن کریم

در دانش جرم‌شناسی اصلاح و درمان در معانی گوناگونی به کار رفته است و معادل‌های واژگانی مختلفی برای این معنا وجود دارد. در آغاز اصلاح و درمان به معنای اصلاح عمیق شخصیتی مجرم بود که از آن به reformation تعبیر می‌شد. در این معنا اصلاح دربردارنده تغییر در روحیات فرد و قدرت تشخیص بد بودن عمل انجام شده و توانایی اتخاذ تصمیمی صادقانه برای اصلاح زندگی آینده بود. در این معنا اصلاح مستلزم تغییر در نگرش اخلاقی مجرم بود (کانتیگهام، فلسفه مجازات، ۱۳۷۴: ۱۶۲-۱۶۳)؛ اما امروزه این اصطلاح بیشتر به معنای باز اجتماعی کردن بزهکار و بازپروری او و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای بازگشت بزهکار به وضعیت اولیه و البته سالمش در اجتماع است و معادل واژگانی چون rehabilitation, resocialization و reintegration به کار می‌رود (Maniya، women criminals and their life style، 2004، p 303). گاه نیز منظور از اصلاح و درمان بزهکار عبارت است از



یک برنامه مداوای روانی اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تامین امنیت جامعه به منظور بهبود امکانات سازش پذیری اجتماعی او (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، ۱۳۷۱: ۳۳۴). برخی بازپروری را به معنای بهسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی توأم با حسن رفتار می‌دانند (ابراهیمی، بازپروری عادلانه مجرمان، ۱۳۹۱: ۱۵۴). در این رابطه دو رویکرد اجتماعی و اخلاقی وجود دارد. در رویکرد اجتماعی که متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی است، معیارهای مشخص و قابل سنجشی برای ارزیابی اصلاح فرد ارائه می‌شود. در این معنا بازپروری عبارت است از «استحکام روابط اجتماعی و فردی بزهکار به گونه‌ای که به وی اجازه دهد به طور فعال در جامعه وارد شود و مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل از این توانایی‌ها استفاده کند (Buchanan, problem Dray use and social Exclusion, 2004, p 387- 397). در رویکرد اخلاقی که با اندیشه‌های روحانیون مسیحی در اصلاح زندان‌ها گره خورده است، زندان همانند دیر و صومعه‌ای برای تطهیر بزهکاران است و مجازات تاوان عمل و کفاره رفتار اوست (ابراهیمی، بازپروری عادلانه مجرمان، ۱۳۹۱: ۱۵۵). در حال، امروزه الگوهای مختلفی برای اصلاح و درمان مجرمان وجود دارد. در الگوی بالینی مجرم یک بیمار تلقی می‌شود بدین معنا که در ساختار شخصیتی او یا در فرایند اجتماعی شدن او کاستی‌هایی وجود داشته که او را به بزهکاری کشانده است و باید این کاستی‌ها مرتفع گردد. الگوی دوم، «الگوی حمایت اجتماعی» است که در آن بیشتر بر حمایت از آماج بزه و بزه دیده تأکید می‌شود و اگر اقدامات آموزشی درمانی تربیتی و مراقبتی نسبت به مجرم انجام می‌شود، عمدتاً در راستای صیانت از جامعه است. الگوی سوم، «الگوی اصلاح بزهکار از طریق وضع کیفر و مجازات کردن بزهکار» است؛ در این الگو فرض بر این است که انسان موجودی آزاد و مختار است که با ملاحظه پیامدهای عمل خویش به بازنگری در رفتار خود می‌پردازد و مجازات می‌تواند او را از ادامه رفتارهای ناشایست باز دارد (حاجی ده‌آبادی، اصلاح و درمان مجرمان در سیاست جنایی اسلام و ایران، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۷). حال باید دید که آیا می‌توان از الگوی قرآنی بازپروری و درمان مجرمان سخن گفت؟ ویژگی‌های این الگو چیست؟ وجوه تمایز آن با الگوهای رایج در چیست؟ و سوالات فراوان دیگری که در این باره قابل طرح است؛ اما پیش از هر چیز باید دید که مراد از اصلاح و درمان در قرآن چیست؟ و چه واژه یا واژگانی ناظر به این معنا در قرآن وجود دارد؟

در قرآن کریم از اصلاح و درمان به شفا و رحمت تعبیر شده است: «وَوُتِّدِلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسرا ۸۲)؛ «و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن، نازل می‌کنیم».

در این آیه شفا مطلق است و شامل شفای جسم و روح هر دو می‌شود و در کنار آن «رحمت» به عنوان وصف دیگر قرآن، بیان شده است. برخی از مفسران قرآن را شفای بیماری‌های روحی و جسمی، هر دو دانسته‌اند (سبزواری، ارشاد الاذهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۹۵). در هر حال شکی نیست که قرآن خود را شفابخش بیماری‌های روحی می‌داند: «شفا معمولاً در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌ها است، بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند همان پاکسازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است؛ پس از آن مرحله «رحمت» فرا می‌رسد که مرحله تخلق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضائل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند. به تعبیر دیگر «شفا» اشاره به «پاکسازی» و رحمت اشاره به «نوسازی» دارد (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۲/ ۲۳۷). این معنا مورد قبول و مدنظر بسیاری از مفسران دیگر نیز هست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق). البته ممکن است در معادل یابی اصلاح و درمان در قرآن ما سراغ واژگان دیگری همچون هدایت و توبه و ... برویم؛ اما باید توجه داشت که افزون بر عمومیت معنایی برخی از این واژگان نظیر هدایت - که الزاماً منطبق با اصلاح و درمان مجرم و منحرف نیست - برخی از واژگان دیگر مانند «توبه» نیز از روش‌ها و مکانیزم‌های درمانگری قرآن است، بنابراین به دو واژه شفا و رحمت در معادل‌یابی این معنا، یعنی بازپروری و به تعبیر جامع‌تر اصلاح و درمان اکتفا می‌شود. به هر حال، آنچه در این میان مهم است این است که آیا درمانگری قرآن در این گونه امور، یعنی جرایم و انحرافات امکان دارد یا اساساً رسالت قرآن ناظر به امور دیگر است؟

دوم. امکان درمانگری قرآن در حوزه کجروی و جرم

ممکن است گفته شود که شفا و رحمت بودن قرآن و درمانگری آن اساساً در حوزه امور معنوی و اخروی است نه امور دنیوی؛ خصوصاً که در حوزه قرآن درمانی ما نیازمند یک نوع آسیب‌شناسی هستیم. چه، در این حوزه ما شاهد احادیث جعلی و بدعت‌ها و انحرافات قابل توجهی هستیم. به عنوان مثال، در خصوص بازگردانده شدن مال مسروقه گفته‌اند: «شب جمعه یا روز جمعه، رو به قبله سوره فاتحه خوانده شود، بعد شروع کند به سوره انعام تا آیه ﴿مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ﴾ و بدون فاصله برخیزد و دو رکعت نماز کند در هر رکعت هفتاد حمد، هفت آیه‌الکرسی و هفت مرتبه سوره کوثر بخواند و بعد از فراغ به همان نحو رو به قبله بخواند ﴿اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ﴾ ... تا آخر سوره بخواند، دزد برده را بیاورند» (روستا، شفاخانه قرآنی، ۱۳۷۹: ۱۱۷). بدیهی است این گونه امور در هیچ روایتی و دست‌کم روایت



صحیحی دیده نمی‌شود و ممکن است تجربه شخصی یک نفر با کیفیتی که خود به ذهنش رسیده باشد، ولی تعمیم‌پذیر نیست و حتی اگر تعمیم‌پذیر هم باشد نمی‌توان به‌عنوان نسخه قرآنی مطرح کرد؛ حتی اگر حدیثی هم پشتوانه آن باشد، باید توجه داشت که نمی‌توان به بسیاری از احادیث در حوزه قرآن درمانی اعتماد کرد؛ چراکه «حدیث سازی در قرآن درمانی وضعیتی اسف‌بارتر از حدیث‌سازی در فضایل سوره‌های قرآنی دارد. احادیث قرآن درمانی به جز بسیاری اندکی از آنها سابقه‌ای بیش از هشت قرن را نشان نمی‌دهند. بعضی از تولیدات قرن هشتم هجری‌اند که غالباً در حلقه‌های صوفیانه - حکیمانه شبه جزیره هندوستان تولید شده‌اند (رهبری، قرآن درمانی در بوته نقد، ۱۳۸۴: ۱۹۷).

در هر حال و با عنایت به آسیب‌هایی که ممکن است وجود داشته باشد یا در این مسیر پدید آید، نمی‌توان از اطلاق آیات قرآنی و روایاتی که ناظر به وجه شفا بودن قرآن و درمانگری آن است صرف نظر کرد. حتی اگر ما قرآن را با لحاظ رسالت پیامبر ﷺ در نظر بگیریم، این درمانگری نه تنها رد نمی‌شود که تأیید نیز می‌شود؛ چراکه رسالت پیامبر ﷺ خارج ساختن انسان‌ها از ضلالت و گمراهی «لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (احزاب/۴۳)؛ و تعلیم و تربیت و تزکیه «زَكِيهِمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲) آنهاست تا از رفتارهای زشت و ناپسند که به برخی از نمونه‌های آنها در قرآن تصریح شده است؛ مانند شرابخواری، زنا، سرقت، کودک کشی، همسرآزاری، ربا خواری و قمار که همگی مصداق بارز جرایم و انحرافات هستند، دوری‌گزینند و این چیزی جز اصلاح و تربیت مجرمان نیست. مهم کشف ابعاد این درمانگری است.

سوم. ابعاد درمانگری قرآن نسبت به جرایم و مجرمان

سوال مهمی که در این رابطه مطرح است این است که ابعاد درمانگری قرآن چیست؟ آیا شنیدن صوت قرآن و موسیقی قرآنی آنچنان تأثیر عظیمی دارد که بزهکار را از ارتکاب جرم منصرف می‌سازد؟ یا محتوا و مضمون و معرفتی که قرآن بر فرد مجرم عرضه می‌کند، او را از جهالت و گمراهی یا سرکشی و خود بینی و... خارج می‌سازد؟ یا اساساً برنامه‌ای که قرآن برای اصلاح جامعه ارائه می‌کند، باعث پیشگیری و نیز بازدارندگی از ارتکاب جرم می‌شود؟ آیا روش‌هایی که قرآن در برخورد با بزهکاران ارائه می‌دهد و نیز دیگران را به انجام آن فرا می‌خواند در اصلاح و بازپروری بزهکاران موثر است؟ حقیقت این است که در این حوزه اطلاعات و پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، برخی از محققان در پژوهشی که درباره اثربخشی آوای قرآن بر کاهش میزان اضطراب زندانیان انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که استماع آوای قرآنی اثر قابل توجهی بر کاهش میزان اضطراب زندانیان داشته

است. این تحقیق که بر روی زندانیان مرد زندان‌های کرمانشاه که بیش از یک ماه در زندان حضور داشته‌اند انجام شد نشان داد که شنیدن آوای قرآن به‌طور معناداری بر کاهش میزان اضطراب زندانیان موثر بوده است (اکبری و همکاران، اثربخشی آوای قرآن بر کاهش میزان اضطراب زندانیان، ۱۳۹۰: ۲۵). پژوهش‌ها ثابت کرده است که اضطراب زندانیان از جمله عواملی است که در ارتکاب ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های آنان حتی در محیط زندان تأثیر دارد. ناگفته نماند که تأثیر استماع آیات قرآن در حوزه‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از پژوهشگران تأثیر آوای قرآن کریم را به‌عنوان یکی از موسیقی‌های آیینی متناسب با ساختار جامعه ما در راستای کاهش درد و اضطراب بیماران، مورد بررسی قرار داده‌اند. در یک تحقیق که تحت عنوان «بررسی تأثیر قرآن کریم بر اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی» روی هشتاد بیمار انجام شد نشان داد که این برنامه نقش موثری در کاهش میزان اضطراب بیماران داشته است (خبرگزاری بین المللی قرآن کریم ۱۳۹۲/۱/۲۲). حتی اگر از آوا و موسیقایی قرآن صرف نظر کنیم، نفس «قرائت قرآن کریم» می‌تواند در حوزه اثربخشی روحی روانی افراد منحرف مورد بررسی قرار گیرد. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ» (صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۴۰۶: ۱۰۱). در این راستا طرح شفا (شامل قرآن خواندن و حفظ قرآن توسط زندانیان) در زندان‌های استان‌های مختلف اجرا شده و همگی حاکی از تأثیر بسزای این برنامه در کاهش تخلفات زندانیان و بهبودی آنها داشته است (خبرگزاری مهر، دوشنبه ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۹۹). البته نگارنده اذعان دارد که زمانی می‌توان این قبیل اخبار و برنامه‌ها را به‌عنوان یک دلیل یا اماره مورد استناد قرار داد که با روش علمی و توسط متخصصان انجام گرفته و ارزیابی شده باشد؛ اما در حد تجربه‌های رایج به آنها اشاره شد.

البته شفا بخشی و درمانگری قرآن تنها به فهم معارف آن محدود نمی‌شود؛ بلکه آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که تلاوت و قرائت و حتی استماع قرآن و نیز ملازمت و موانست با آن نقش بسیار مهمی در تحول روحی و معنوی انسان دارد. در روایتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به صراحت می‌فرماید: قرائت قرآن زنگارها را از روح آدمی می‌زداید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ قِيلَ فَمَا جَلَّوْهَا قَالَ ذَكَرَ اللَّهُ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۱۰۵/۲)؛ همانا این دل‌ها همانند آهن زنگار می‌بندد. عرض شد: ای رسول خدا، صیقل‌دهنده دل‌ها چیست؟ فرمود: تلاوت قرآن». در واقع قلب انسان هرچند بر فطرت توحید و بر حالت سلامت آفریده شده است، ولی عواملی همچون حرص و حسد و بخل و شرک و ... سبب بیماری آن می‌شود. این بیماری همان زنگارگرفتگی روحی است که تلاوت قرآن می‌تواند در از بین بردن آن نقش داشته باشد. در واقع به سبب این عوامل و



در اثر ارتکاب گناه قلب و روح انسان حیات سالم خویش را از دست می‌دهد و قرائت قرآن می‌تواند حیات دوباره به آن ببخشد و آدمی را از فحشا و منکرات بازدارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «یا بُنَی لَا تَغْفُلْ عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ یَحِیِ الْقَلْبَ وَ یَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْیِ» (انصاری شیرازی، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ۱۴۲۹: ۳/ ۴۵۴)؛ فرزندم از خواندن قرآن غافل مباش؛ زیرا که قرآن دل را زنده می‌کند و از فحشا و زشتکاری و ستم و گناه باز می‌دارد». در روایت دیگری، قرآن خواندن، نوعی کفاره و پوشش گناهان به حساب آمده است (مجلسی، بحارالانوار ۱۴۱۰: ۱۷/۸۹).

به همین جهت «یکی از سازوکارهای اصلاح بزهکاران می‌تواند تلاوت آیات الهی بر مجرمین با شیوه‌های صحیح و انسانی و منطبق با حقوق بشر (مثلاً با انتخاب خود آنان و نه از سر اجبار) باشد. از این طریق می‌توان به افزایش و ارتقای دانش و بینش بزهکاران به تهذیب نفس و ترغیب و تشویق به بازپروری و بازسازی بزهکاران مدد رساند» (حمیدخانی، اصلاح و تربیت بزهکاران در حقوق کیفری ایران، ۱۳۸۵: ۲۶). باید توجه داشت که آنچه از روایات استفاده می‌شود، این است که هم قرائت و تلاوت و نیز تدبر در آیات الهی و استماع آیات قرآن می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح نفس انسان داشته باشد و در برنامه‌های قرآن درمانی تنها نباید به یکی از این ابعاد بسنده کرد. همچنانکه استفاده از قرآن نباید تنها به درمان مجرمان و گناهکاران محدود شود؛ بلکه برای حل همه مشاکل و مسایل اجتماعی باید از قرآن بهره جست. از این‌رو در سیاست جنایی پیشگیرانه نیز باید بر مبنای تعالیم قرآنی حرکت کرد؛ چراکه به فرموده امام علی (علیه السلام) در قرآن می‌توان راه‌حل و درمان بزرگترین دردها را یافت. حضرت می‌فرماید «فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأَوَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ وَ الْغَى وَ الضَّلَالُ؛ پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن درمان بزرگترین بیماریها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی وجود دارد» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

ممکن است درمانگری قرآن را از بعد دیگری مورد بررسی قرار داد و آن مفاد معارف قرآنی است. به تصریح بسیاری از روایات و به حکم عقل و تجربه، فراگرفتن معارف عمیق و غنی قرآن عامل بیداری و پاکسازی روحی و رشد و نمو معنوی انسان‌ها است. سعه بن صدقه از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که: «إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۱۰: ۱۰۲/۸۹)؛ همانا تنها شفا، در دانش قرآن است». در واقع کسی که از محتوای قرآن آگاه باشد، از خیر و شر و بدی و خوبی و زشتی و پلیدی امور آگاه می‌شود و افزون بر این راه‌های تهذیب نفس و تطهیر روحی و معنوی خود را فرا می‌گیرد و نسبت به تکالیف و وظایفی که در مقابل خود، خانواده، طبقه، جامعه و خداوند بر عهده دارد

آگاه می‌شود؛ بدون شک ثمره این آگاهی‌ها در رفتارهای او ظاهر خواهد شد. به بیان دیگر شناخت درمانی و معرفت درمانی قرآن از جمله وجوه درمانگری آن است. این مهم وقتی بهتر فهم می‌شود که بدانیم علل و عوامل و خاستگاه‌های جرم از منظر قرآن چیست. به بیان دیگر اصلاح و درمان مجرمان در قرآن وابسته به جرم‌شناسی قرآنی است. امروزه جرم‌شناسان طیف گسترده‌ای از عوامل زیستی، روانی و اجتماعی را به‌عنوان منشأ و خاستگاه‌ها و دست‌کم بسترها و زمینه‌های پدیدآیی رفتارهای مجرمانه معرفی می‌کنند که به صورت انفرادی یا ترکیبی (مثلاً زیست‌روانی یا زیست اجتماعی) در بروز جرم مؤثرند. از این‌رو گاه خاستگاه جرم اموری زیستی و طبیعی است و طبعاً اگر درمانگری قرآن را بپذیریم، می‌تواند در این حوزه نیز مؤثر باشد. مثلاً قرآن کریم عمل صالح را با طیب خواری و حلال خواری پیوند زده و می‌فرماید: ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُثْرَ مَا تَعْبُدُونَ﴾ (نحل/ ۱۱۴)؛ «پس از آنچه خداوند روزی تان کرده است حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را بجای آورید، اگر او را پرستش می‌کنید». در اینکه مراد از طیب چیست دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است (رضایی اصفهانی و طاهری افشار، کارآمدی بایدهای تغذیه‌ای در پیشگیری از بیماریها، ۱۳۹۹: ۱۸۳-۱۸۵). برخی «طیب» را غذایی می‌دانند که از هرگونه شبهه‌ای پاک باشد (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۲۱۳/۱). راغب در «المفردات» غذای طیب در شریعت را غذایی می‌داند که واجد سه شرط: ۱. تهیه شده از طریق مجاز و مشروع؛ ۲. به اندازه مصرف شده؛ ۳. و تهیه شده از جایی که مشروع باشد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲: ۵۲۷). چنین است که قرآن خوردن خوک و مردار و شراب و... را تحریم کرده است؛ چراکه چنین غذاهایی موجب تغییر فطرت پاک انسانی و گرایش او به بدی‌ها و زشتی‌ها می‌شود. همچنان‌که پرخوری، نیز می‌تواند او را در مسیر گمراهی قرار دهد. بنابراین تغییر در رژیم غذایی انسان اعم از چه خوردن و چگونه خوردن و به چه میزان خوردن می‌تواند از منظر قرآنی در اصلاح رفتارهای نابهنجار و مجرمانه او مؤثر باشد (حاجی‌ده‌آبادی و نادعلی، تغذیه و جرم، ۱۳۹۵، فصل دوم). در روایات نیز بر ارتباط این دو صحنه گذاشته شده و غذای غیرطیب و حرام را موجب بروز ناهنجاری‌های رفتاری و اختلالات معرفتی در انسان دانسته است. در قرآن کریم آمده است، خداوند وقتی شیطان را از درگاه خویش راند و به او تا روز قیامت مهلت داد، فرمود: ﴿وَاسْتَفْزِرْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخِيلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾ (اسراء/ ۷۴)؛ «و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن». امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شَوْكُ الشَّيْطَانِ قَالَ وَيَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حَتَّى يُجَامِعَ فَيَكُونُ مِنْ



نُطْفَتِهِ وَ نُطْفَةِ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ حَرَامًا» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۱۰: ۵۷/۳۴۲)؛ وقتی که مال حرام در اموال فرد مخلوط باشد، شیطان در آن شریک شده و با مرد همراه است تا هنگامی که همبستری می‌کند از راه نطفه منتقل شده و نطفه مرد از حرام تشکیل می‌شود. آری، خمیرمایه و سرشت ابتدایی هر انسانی از نطفه است و اگر آن نطفه از غذایی حرام تشکیل بیابد؛ مطمئناً تأثیرهای سوء به دنبال دارد. در هرحال بازخوانی بحث تغذیه با عنایت به خاستگاه جرم‌شناختی و درمانگری آن از جرم از منظر قرآن جای پژوهش دارد.

مفسران نیز بر ابعاد درمانگری قرآن کریم تأکید کرده‌اند. یکی از مفسران در این رابطه می‌نویسد: «أَنَّ فِي آيَاتِ الْقُرْآنِ وَمَعَانِيهِ شِفَاءً لِلْأَرْوَاحِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الرُّوحِيَّةِ كَالْعَقَائِدِ الْفَاسِدَةِ وَ الْأَخْلَاقِ الذَّمِيمَةِ، وَ فِي أَلْفَاظِهِ شِفَاءً لِلْأَبْدَانِ، وَ بَبْرَكَةِ قِرَائَتِهِ وَ تَلَاوْتِهِ نُورٌ لِلْقُلُوبِ وَ جَلَاءٌ لِلْأَبْصَارِ وَ الْبَصَائِرِ (سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۱۴۰۶: ۴/۳۱۰). البته مفسر محترم مراد خویش را دقیقاً مشخص نکرده است. برخی از مفسران با بیان اینکه «من» در «نزل من القرآن» تبعیضیه نیست، درمانگری را مربوط به کل قرآن می‌دانند و طبیعت و کیان قرآن را شفا و رحمت می‌دانند (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۴۰۶: ۱۷/۳۰۹). البته روشن است که در کلام یاد شده نوعی ابهام وجود دارد؛ چراکه مشخص نیست منظور از کیان و طبیعت قرآن یعنی چه آیا مقصود همه قرآن و امور مرتبط با آن اعم از صوت و تلاوت و قرائت و معانی قرآن است یا مقصود تنها محتوای آیات قرآن کریم است. طرح این بحث به سبب روایتی است که پیش از این بیان کردیم که مسعده بن صدقه از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که ایشان شفا را تنها در «علم قرآن» می‌دانستند: «إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي عِلْمِ الْقُرْآنِ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۰: ۸۹/۱۰۳). بر اساس این روایت با توجه به «انما» به‌عنوان ادات حصر، درمانگری قرآن تنها از بعد معرفتی و دانشی قرآن است. بنابراین وجوه و ابعاد دیگری که در درمانگری قرآن گفته شد، توجیهی ندارد؛ اما حقیقت این است که با توجه به روایات فراوان دیگری که در این باره وجود دارد، نمی‌توان اثربخشی و درمانگری قرآن را تنها در بعد معرفتی آن دانست. مطابق برخی روایات، قرائت قرآن محیط خانه را معنوی می‌سازد و شیاطین را از آن دور می‌کند و از این‌رو بستر لازم برای اصلاح و بهسازی اعضای خانه را فراهم می‌آورد. این اثربخشی به حدی است که نور حاصل از تلاوت قرآن آسمانیان را بهره‌مند می‌سازد، همچنانکه ستارگان برای زمینیان نور افزینی می‌کنند و آنها را بهره‌مند می‌سازند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «تَوَزُّوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى صَلُّوا فِي الْكَنَائِسِ وَ الْبَيْعِ وَ عَطِّلُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۱۰)؛ در

روایت دیگری امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيَذْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يَضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ إِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ لَا يَذْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ» (همان)؛ «خانه ای که در آن قرآن قرائت شود و یاد خداوند در آن باشد، برکت های آن فراوان می شود و ملائکه خداوند را در آن حاضر می کند و شیاطین را دور می سازد و برای آسمانیان می درخشد، همچنانکه ستارگان برای زمینیان می درخشند و همانا خانه ای که در آن قرآن قرائت نشود و یاد خدا نباشد برکت آن اندک می شود و ملائکه را دور می سازد و شیاطین را در آن خانه حاضر می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در بیان تأثیر تنها بخش هایی از سوره بقره می فرماید: «مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقَرَةِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آيَتَيْنِ بَعْدَهَا وَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا لَمْ يَزَلْ فِي نَفْسِهِ وَ مَالِهِ شَيْئاً يَكْرَهُهُ وَ لَا يَقْرُبُهُ شَيْطَانٌ وَ لَا يَنْسَى الْقُرْآنَ» (همان: ۶۲۱). با توجه به مطالب یادشده، درمانگری قرآن تنها اختصاص به معارف آن ندارد و «انما» در روایت یاد شده نه برای حصر، بلکه برای تأکید بیشتر بر اهتمام به فراگیری معارف قرآن است.

چهارم. ویژگی های درمانگری قرآن نسبت به جرایم و مجرمان

یکی از مهمترین محورها در حوزه بحث از اصلاح و درمان مجرمان در قرآن، ویژگی های این درمانگری است. البته بخشی از این ویژگی ها، اختصاصی به درمان مجرمان ندارد و در هر حوزه درمانی دیگر بر مبنای قرآن نیز ساری و جاری است. بخشی از این ویژگی ها نیز در روایات مورد تصریح قرار گرفته است، ولی بخش دیگر با تأمل و نیز با تجربه قابل دستیابی است. برخی پژوهشگران امتیازات درمانگری قرآن را در موارد زیر می دانند:

- درمانگری قرآن هیچ ضرر و عوارضی ندارد.
- درمانگری قرآن هیچ گاه کهنه نمی شود.
- در این درمانگری، هیچ اشتباهی وجود ندارد؛ یعنی قطعی و حتمی است.
- این درمانگری، همیشگی و در اختیار همه است.
- در این درمانگری، شفا یافته خود به عاملی شفا بخش تبدیل می شود.
- این درمانگری بر پایه رابطه محبت و عشق درمانگر نسبت به درمانجو استوار است.
- این درمانگری بر پایه شناخت دقیق بیماری و تشخیص دقیق آن استوار است (آرام، قرآن و بهداشت روانی، ۱۳۹۲).



این ویژگی‌ها همچنان که گفته شد در روایات نیز مورد اشاره یا تصریح قرار گرفته است؛ مثلاً این نکته که این درمان و دوا برخلاف هر دوی دیگر که آثار و عوارض سو دیگری به دنبال دارد، هیچ پیامد و عارضه منفی ندارد، مفاد حدیثی از امام کاظم (علیه السلام) است: «لَيْسَ مِنْ دَوَاءٍ إِلَّا وَهُوَ يَهَيِّجُ دَاءً؛ هیچ دارویی نیست، مگر اینکه خود سرچشمه‌ی بیماری دیگری است» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۷۳/۸). از اما قرآن شفاف‌بخشی است که «شِفَاءٌ لَا تُخْشَى أَسْقَامُهُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸). از این نکته می‌توان به یکی از اصول مهم درمان در سیاست جنایی اسلام پی برد و آن این است که اصلاح و تربیت مجرمان باید با استفاده از برنامه‌ها، روش‌ها و محتوایی‌ها باشد که هیچ عوارض منفی و سوئی برای درمان‌جو نداشته باشد و دست‌کم اینکه کمترین عوارض را به دنبال داشته باشد.

در حوزه جرایم و انحرافات بدون تردید درمانگری قرآن اختصاص به جرمی خاص ندارد. در قرآن حتی برای جرایمی بسیار شدید همچون محاربه و افساد فی الارض راه توبه و بازگشت در نظر گرفته شده است (مائده/۹۳) و این حاکی از امکان درمانگری در چنین جرایمی است. در خصوص فراگیری و شمولیت درمانگری قرآن نسبت به همه مجرمان به شرط خواست و اختیار مجرمان - که این از اصول اصلاح و درمان قرآنی است - و نیز ایمان و باور مجرم به دستگیری و حمایت الهی - که این نیز از اصول دیگر است - قرآن دایره اصلاح و درمان خویش را عام می‌داند. آری کسانی که بر کجروی و گناه خویش پافشاری کنند و بر پیروی از باطل اصرار و عناد و لجاجت بورزند، از موهبت این درمان، خویشتن را محروم می‌سازند. در هر حال، قرآن درمانی به معنای این نیست که می‌توان از این روش برای همه مجرمان و منحرفان بهره جست. گاه زنگارزدگی روح آدمی آنقدر زیاد است که در واقع از آن چیزی باقی نمانده و گوهر وجودی انسان عوض شده و از انسانیت هیچ چیز برای او باقی نمانده است، این مجرمان کسانی هستند که دیگر هیچ اثری در آن نیست و همه ادراکات روحی و معنوی آنها از کار افتاده و لذا از حیوانات نیز پست‌تر گشته‌اند. از این روست که دیگر نور قرآن در آنها اثری ندارد؛ اینها مصداق آیه قرآن‌اند که «صُمُّ بَكْمٌ عُمِّي فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»؛ «کرنند، لالند، کورند؛ بنابراین به راه نمی‌آیند».

پنجم: مکانیزم‌های اصلاح و درمان مجرمان از منظر قرآن کریم

دقت در آیات قرآن کریم ما را با شمار قابل توجهی از مکانیزم‌ها در اصلاح و درمان مجرمان آشنا می‌سازد که متأسفانه کمتر تاکنون مورد استخراج تحلیل و تفسیر و نیز آزمون و کاربست قرار گرفته است. از یک منظر می‌توان مکانیزم‌های اصلاحی قرآن را در سه دسته مکانیزم‌های شناختی، احساسی و رفتاری تقسیم کرد. این تقسیم برحسب منشأهای فردی رفتار مجرمانه است و گرنه برحسب

خاستگاه‌های اجتماعی رفتار مجرمانه، مکانیزم‌های دیگری نیز باید به این سه مورد اضافه کرد، ولی از آنجا که مکانیزم‌های اجتماعی بیشتر در مباحث پیشگیری از جرم و نه اصلاح مجرمان مورد بررسی و بحث قرار می‌گیرد، ما نیز به این مباحث ورودی نخواهیم داشت. مکانیزم‌های سه‌گانه‌ای که به اجمال در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این اساس است که خاستگاه‌های فردی رفتار مجرمانه یا از ناحیه تفکرات و اندیشه‌های باطل است و یا به سبب احساسات و عواطف غلط و نادرست و یا رفتارهایی که زمینه ورود به جرم شده است. بر این اساس درمان نیز باید این سه ضلع را هدف قرار دهد.

الف. مکانیزم‌های شناختی

این گونه مکانیزم‌ها حوزه اندیشه و تفکر فرد را هدف قرار می‌دهد. با اصلاح اندیشه فرد، امید می‌رود که او از رفتار مجرمانه دست بکشد. در این راستا از جمله رسالت‌های انبیا و ائمه معصومان «جهل زدایی» است؛ چراکه به فرموده امام علی (علیه السلام): «الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ» و در روایت دیگری می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۰۷: ۲/ حدیث ۸۵۶۴) آنکس که زیاد در فکر گناه است به گناه کشیده می‌شود. بنابراین باید هم محتوا و هم سبک تفکر مجرم را اصلاح کرد و این از جمله راهکارهای و مکانیزم‌های اصلاح و درمانگری قرآن است. از این جمله است توصیه به «توقف در افکار مجرمانه»؛ اینکه به محضی که قوای ذهنی می‌خواهد گرد ارتکاب جرم به حرکت درآید، فرد به خود ایست فکری دهد و زمام افکار خویش را به دست گیرد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ» (اسراء/۳۱)؛ «و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است».

در این آیه به یکی از عوامل مهم نوزاد یا فرزندکشی اشاره می‌کند که آن ترس از تأمین رزق و روزی برای آنان است. این عامل روانی بر فکر افراد غالب شده آنها را به این نتیجه می‌رساند که اولادشان را بکشند. خداوند متعال این نگرش را اصلاح می‌فرماید و به آنها گوشزد می‌کنند که روزی‌دهنده شما و آنان اوست. مفسران گفته‌اند که «خشیه املاق» نفی این پندار شیطانی است (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه: ۱۲/۱۰۲). یا مثلاً در مورد جرم زنا می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/۳۳)؛ «و به زنا نزدیک نشوید؛ چراکه آن همواره زشت و بد راهی است». درست است که اگر فرد مرتکب زنا شد، با وجود همه سخت‌گیری‌های اسلام در اثبات این جرم - که البته این خود یک مکانیزم دیگر برای فرصت بخشی به بزهکار جهت توبه و اصلاح او از طرق غیر کیفری است - اگر جرم او ثابت شد، مجازات می‌شود - مجازاتی که فلسفه آن تطهیر است - ولی افزون بر این باید او را



آموزش داد تا دیگر مرتکب جرم نشود. خداوند بزرگ در این آیه می فرماید: علاج کار این است که به این قرقگاه نزدیک نشوید. این امر هم می تواند نزدیک نشدن به مقدمات رفتاری زنا مانند چشم چرانی و یا خلوت کردن با نامحرم و ... باشد و هم می تواند پاکسازی حوزه اندیشه و تفکر مجرمانه را دربرگیرد. امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است که موسی علیه السلام پیروان خود را امر فرمود که زنا نکنید و من به شما دستور می دهم که درباره زنا اندیشه نیز نکنید چه رسد که زنا نکنید؛ زیرا هر که درباره زنا اندیشه کند مانند کسی است که در خانه آراسته و زینت شده، آتش روشن کند که اگر خانه را نسوزاند، آراستگی خانه را تباه می سازد (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۴۲؛ محمدی ری شهری، حکمت نامه جوان، ۱۳۸۳: ۲۶۹-۲۷۰).

ب. مکانیزم های احساس درمانگری

عامل دیگر تشکیل دهنده رفتارهای مجرمانه، احساسات است؛ انسان ها برحسب عشق و حب یا بغض و تنفري که نسبت به اشخاص و اشیاء داشته باشند، نسبت به آنها کنش یا واکنش نشان می دهند که ممکن است در مواردی مجرمانه باشد. گاه ارتکاب جرم ناشی از احساس خوشایندی است که فرد در خود احساس می کند، از این رو، برای درمان آن باید نفرت نسبت به آن رفتار در وی ایجاد کرد تا دیگر مرتکب آن عمل نگردد. از جمله حکمت ها و فلسفه مجازات ها در اسلام همین است؛ اما اسلام تنها به مجازات بسنده نکرده است؛ بلکه با ورود در دایره احساسات فرد، نوعی نفرت در او نسبت به برخی جرایم و گناهان ایجاد می کند. مثلاً برای اصلاح رفتار غیبت کننده که چه بسا مرتکب دروغ و تهمت و توهین و قذف هم می شود، غیبت کردن را به منزله خوردن گوشت مرده برادر خویش دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲).

ج. مکانیزم های رفتار درمانگری

گاه درمان و اصلاح رفتارهای مجرمانه مستلزم انجام رفتارهای دیگر نیکویی است که اثر اصلاحی آن بر شخصیت و رفتار فرد آشکار می شود. چنین است که قرآن امر به توبه همراه انجام اعمال صالح می کند: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا» (بقره/ ۱۶۰)؛ یا آیه «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا» (نحل/ ۱۱۹)؛ مثلاً در مورد قذف، قرآن، قذف کننده را به اصلاح در رفتار خویش ترغیب کرده است (نور/ ۴ - ۵) که مطابق روایات این اصلاح به معنای آن است که فرد در میان همان جمعیتی که نسبت ناروا به فرد داده است، خویشتن را تکذیب کند. یا در مورد قتل خطایی، قرآن (نساء/

۹۲) فرد را ملزم می‌کند که همچنانکه کسی را از حیات زیستی محروم کرده، برده‌ای را آزاد کند (و به او حیات معنوی ببخشد) او در صورتی که برده‌ای نیابد دو ماه پیایی روزه بگیرد. فلسفه چنین کاری آن است که او به سوی خدای خویش بازگردد تا موجبات بازگشت صحیح او به جامعه نیز فراهم آید و موارد گوناگون دیگری که استخراج و تحلیل آنها نیازمند پژوهش‌های دیگر است.

نتیجه

قرآن کریم به صراحت و به دفعات از درمانگری خود سخن گفته است. در روایات نیز این مهم مورد تأکید قرار گرفته است. با وجود پیشینه نسبتاً درخور توجهی که در خصوص درمانگری قرآن در امور جسمی و بعضاً روحی وجود دارد؛ اما به طور خاص در باره درمانگری قرآن نسبت به مجرمان و منحرفان پژوهشی انجام نشده است؛ امری که انجام آن می‌تواند در اصلاح و درمان مجرمان که از شاخه‌های دانش جرم‌شناسی امروز است و از جمله مباحث مهم در حوزه سیاست‌گذاری جنایی است و به‌ویژه برای جامعه دینی ما مؤثر باشد. جالب اینکه قرآن شفا را در کنار رحمت مطرح می‌کند که این‌ها دو بخش فرایند درمانگری قرآن است: زدودن ناپاکی‌ها و رذایل از انسان و آراستگی او به فضایل و پاکی‌ها. ابعاد این درمانگری با توجه به اطلاق آیه تنها به آوای قرآنی یا قرائت آن محدود نمی‌شود؛ بلکه محتوا و مفاد آن یعنی معارف قرآنی را نیز در برمی‌گیرد. قرآن از سه ضلع شناخت احساس و رفتار به درمان مجرم اقدام می‌کند و خاستگاه‌های زیستی و روانی و اجتماعی جرم را هدف می‌گیرد و برنامه جامعی را برای اصلاح بزهکار پیشنهاد می‌دهد. کشف این برنامه و به‌ویژه مبانی آن و نیز ویژگی‌ها و روش‌های قرآن در اصلاح و رفتار بزهکاران امری است که پژوهش‌های نظری و کاربردی در باره آنها بایسته و شایسته است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ایران، تهران: ۱۴۱۸ ه.ق.
۲. ابراهیمی، شهرام، «بازپروری عادلانه مجرمان»، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۳. اکبری، مصطفی؛ درکه، محسن؛ محمدی، جواد؛ رضایی، حسن، «اثربخشی آوای قرآن بر کاهش میزان اضطراب زندانیان»، طب و تزکیه، دوره ۲۰، شماره ۳ و ۴، ۱۳۹۰.
۴. انصاری شیرازی، قدرت‌الله و پژوهشگران مرکز فقه ائمه اطهار، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم: ۱۴۲۹ ق.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، موسسه اعلمی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۶. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، اصلاح و درمان مجرمان در سیاست جنایی اسلام، رساله دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۷. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ نادعلی، رعنا، تغذیه و جرم، انتشارات مجد، تهران: ۱۳۹۴.
۸. حمیدخانی، مجید، اصلاح و تربیت بزهکاران در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالعلم، الدار الشامیه، بیروت/ دمشق: ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد، درآمدی بر جرم‌شناسی، سمت، تهران: ۱۳۹۷.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ طاهری، امیر؛ افشار، سعید، «کارآمدی بایدهای تغذیه قرآنی در پیشگیری از بیماری‌ها»، دوفصلنامه علمی قرآن و علم، سال چهاردهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۱۲. رهبری، حسن، «قرآن درمانی در بوته نقد»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، بهار ۱۳۸۹.
۱۳. روستا، محمدرضا، شفاخانه قرآن، مهتاب، بی‌جا: ۱۳۷۹.
۱۴. زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۱۵. سبزواری، محمد، ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت: ۱۴۱۹ ق.

۱۶. شریف‌رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه: مترجم: محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین، قم: ۱۳۷۹.
۱۷. صدوق، محمد بن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دارالشریف الرضی للنشر، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۶.
۱۸. صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، تعلیقات: میرزا محسن کوجه‌باغی تبریزی، تبریز: ۱۳۸۱ ق.
۱۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۲۰. فتحی بهنسی، احمد، السیاسة الجنائية فی الشریعة الاسلامیه، دارالشروق، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۲۱. کاتینگهام، جان، فلسفه مجازات، مترجمان: ابراهیم باطنی و محسن برهانی، فقه و حقوق، ش ۴، بهار ۱۳۷۴.
۲۲. کاوینگتن کولمن، جیمز، روان‌شناسی نابهنجار و زندگی نوین، مترجم: کیانوش هاشمیان، انتشارات دانشگاه الزهراء، تهران: ۱۳۷۶.
۲۳. محسنی، فرید، تأثیر تغذیه بر کج‌روی و رفتار مجرمانه با نگاهی به آموزه‌های دین اسلام، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۱ (پیاپی ۲۹)، ۱۳۹۳.
۲۴. محمدی‌ری‌شهری، محمد، با همکاری احمد غلامعلی، حکمت‌نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، دارالحديث، قم: ۱۳۸۴.
۲۵. مکارم‌شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران: ۱۳۷۷.
۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، بیروت: ۱۴۰۸ ه.ق.
۲۸. آرام، محمدرضا، قرآن و بهداشت روانی، سایت راسخون، ۱۳۹۲/۷/۲۳. <https://rasekhoon.net>
29. Buchanan, Julian, Problem Dray use and social Exclusion, Journal of Community and criminal justice, 51 (7), 2007.
30. Mridula Maniya, women criminals and their life – style, New Delhi Kaveri books. 2007.

References

1. The Holy Quran, Translated by Muhammad Mehdi Foladvand, Department of Islamic Studies and History of Iran, Tehran: 1418 A.H.
2. Akbari, Mustafa; Durkeh, Mohsin; Mohammadi, Javad; Rezaei, Hassan, "Effectiveness of the Sound of the Quran on Reducing the Anxiety level of Prisoners", Medicine and Purification, Volume 20, Number 3 and 4, 2011.
3. Ansari-Shirazi, Qudratullah and Researchers of the Fiqh Center of Holy Imams, Encyclopaedia of *Children's Rulings and Arguments*, Jurisprudence Center of Holy Imams, Qom: 1429 A.H.
4. Aram, Muhammadreza, Quran and Mental Health, Raskihoon Website, 23/7/2013. <https://rasekhoon.net>
5. Buchanan, Julian, Problem Drug Use and Social Exclusion, Journal of Community and criminal justice, 51 (7), 2007.
6. Cottingham, John, The Philosophy of Punishment, Translators: Ibrahim Batini and Mohsin Burhani, Fiqh and Laws, Volume 4, Spring 1995.
7. Covington Coleman, James, Abnormal Psychology and Modern Life, Translator: Kianoush Hashimian, Al-Zahra University Press, Tehran: 1997.
8. Fathi-Bhansi, Ahmad, Criminal Policy in Islamic Law, Dar al-Shuruq, Beirut, 1403 AH.
9. Hajidehabadi, Muhammad Ali, Reformation and Treatment of Criminals in Islamic Criminal Policy, Doctoral Dissertation in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, 2007.
10. Hajidehabadi, Muhammad Ali; Nadali, Rana, Nutrition and Crime, Majd Publications, Tehran: 2015.
11. Hameedkhani, Majid, Reformation and Education of Criminals in Iranian Criminal Law, Master's Thesis, Shahid Beheshti University, 2006.
12. Ibrahimi, Shahram, "Just Rehabilitation of Criminals", Criminal Law Teachings of Razavi University of Islamic Sciences, No. 3, Spring and Summer 2012.
13. Makarem Shirazi, Nasir et al., Tafsir Nemounah (The Ideal Exegesis), Darul Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 10th Edition, 1992.
14. Mohsini, Farid, The Effect of Nutrition on Deviance and Criminal Behavior with Glimpse at the Teachings of Islam, Research Journal of Islamic Law, Volume 15, Number 1 (29 Consecutive), 2014.
15. Mridula Maniya, Women Criminals and Their Lifestyle, New Delhi Kaveri books. 2007.
16. Mohammadi Reyshahri, Muhammad, With the Collaboration of Ahmad Ghulamali, Hikmatnameh Javan (Guideline to Youngster), Translated by Mahdi Mehrizi, Dar al-Hadith, Qom: 2005.

17. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein; Hashembeigi, Hamid, Encyclopedia of Criminology, Ganj Danesh Publications, Tehran: 1998.
18. Nouri, Mirza Hossein, Mostadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail, Alul-Bayt Institute, Beirut: 1408 AH.
19. Raghieb Isfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Words), Dar al-Ilm, Al-Dar al-Shamiyyah, Beirut/Damascus: 1412 AH.
20. Rajjian Asli, Mehrdad, An Introduction to Criminology, SAMT, Tehran: 2017.
21. Rehbari, Hassan, "Quranic Therapy on Criticism", Quranic Researches, Year 16, Number 61, Spring 2010.
22. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali; Tahiri, Amir; Afshar, Sa'eed, "Efficiency of Quranic Nutritional Requirements in Disease Prevention", Scientific Bi-Annual Journal of Quran and Science, Year 14, Number 26, Spring and Summer 2020.
23. Rusta, Muhammad Reza, Quranic Hospital, Mahtab, N.p.: 2000.
24. Sabzevari, Muhammad, Irshad al-Azhan to Tafsir al-Quran (Guiding the Minds to Quranic Exegesis), Dar al-Ta'arif for Publishing, Beirut: 1419 AH.
25. Sadouq, Muhammad bin Babawayh, The Reward of Deeds and the Punishment of Deeds, Dar al-Sharif al-Razi for Publishing, Qom: 2nd Edition, 1406 AH.
26. Saffar, Muhammad bin al-Hassan, Basair al-Darajat, Annotations: Mirza Mohsin Kuchebaghi Tabrizi, Tabriz: 1390 AH.
27. Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, Nahj al-Balaghah: Translator: Muhammad Dashti, Qom: Amir al-Muminin Cultural Research Institute, 2000.
28. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Al-A'jami Publications, Beirut: 3rd Edition, 1381 AH.
29. Tamimi-Amadi, Abd al-Wahid, Gharur al-Hakim and Dura al-Kalim, Scientific Institute, Beirut: 1407 AH.
30. Zamakhshari, Muhammad bin Umar, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyun al-Aqawee fi Wujuh al-Ta'wil (*Discovering the Realities of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations Concerning Aspects of Hermeneutics*), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH.